

چشم به دوربین چشم به راه

رحیم ناظرین

سوال این است چگونه می توان عنوان مستندت باشد «چشم به راه» اما تلاش کنی این چشم به راهی را با کلمه نشان دهی؟ عنوان مستند و محتوای مستند همگی با تمنا می گویند یک مقدار هم ما را نشان بدهید و کمتر حرف بزنید. نمی توان بلور کرد که ساختن مستندی درباره پیرزنی که ۳۲ سال چشم به راه فرزندش مانده تا این اندازه سخت باشد. ۳۲ سال انتظار، خود، یک ایده، سوژه، محتوا و حتی یک رویداد دراماتیک است که قابلیت پرداخت دارد. مشکل مستند «چشم به راه» این است که اصلا در این فیلم کسی چشم به راه کسی نیست. مادر پیری که فرزندش سال ها قبل در جنگ مقوودا لایر شده است، همچنان چشم انتظار آمدن خودش یا جتازه ای است و حتی وسایل اتاق پسرش را نیز دست نخورده باقی گذاشته است.

نمی توانم چیز بیشتری در مورد این مستند ۹ دقیقه ای بگویم از آن جهت که عدم فراموشی فرزند توسط مادری پیر، کراهت جنگ (حالا می خواهد مقدس باشد یا ظلمانه یا تحمیلی)، سال های تلخ فراغ، بی خبری از سر نوشت جگر گوشه، ۳۲ سال انتظار و مواردی از این قبیل در این مستند هیچ گاه به نمایش در نمی آیند بلکه همه این ها یا از زبان پیرزنی بیان می شود که از قدرت بیان خوبی برخوردار نیست و یا متأسفانه با همراهی گفتار متنی است که خود نه کامل است و نه توان بیان ماجرا را دارد. به عبارتی روایت مستند در سطح بیانی خبری باقی می ماند و اگر هم تلاش دارد تا درونیات مادری داغ دیده را نمایش دهد فقط با اتکا بر کلمات و حرف این مهم را انجام می دهد. در مستند «چشم به راه» نه صدای پیرزن مفهوم است و نه تریشن از نظر ادبیات، اصولی و واضح است تا فهمیده شود.

تصورش را بکنید پیرزن به دلیل احتمال کشته شدن فرزندش در دریا در دوران جنگ، حالا از خوردن ماهی امتناع می کند و تصورش را بکنید این ایده بسیار جذاب اینجا فقط در مصاحبه های ساده انگارانه بیان می شود. مستندساز هیچ نگاه خلاقانه ای برای بیان این ایده ندارد. نباید برای یادداشتی در این سطح به ارایه مثال روی آورد ولی آیانی می شد به شکلی نمایشی این موضوع را موضوعات دیگر که در لایه های زیرین شخصیت پنهان است، در این مستند ارایه شود؟ این مله ی نخوردن آیا به هیچ طریق دیگری قابل بیان نبود؟

مستند «چشم به راه» جز خاطره گوپی و گریه و زاری مادری که فرزندش را به خاطر جنگی هشت ساله از دست داده است، چیزی دیگر ندارد؛ مادری که حالا از حال و روز زندگی اش پیداست جز همان نگاه تبلیغی هیچ حمایت روحی نیز توسط حکومت عایدش نمی شود. حتی این مستند نیز یک ابزار تبلیغی برای نمایش ایشار شهید و مادرش تولید شده و نه اثری است که بخواهد نکته های یا مسئله ای را بیان کند که ارزش هنری داشته باشد.

کلیه وارگی مستند از ابتدا تا پایان حفظ می شود و ضربه تمام کننده بر اثبات ضعف این مستند، آنجایی بر سرمان می خورد که پایان مستند با خوانندگی و صدای یک «هنرمند ناله» همراه است. از این ترانه های بی هویت که معلوم نیست تا چه زمانی در تاریخ موسیقی ما دوام دارند. یک انتخاب بسیار آزاردهنده که فقط برای ترحم بر انگیزی در انتهای مستند قرار گرفته است.

قربان نجفی در گفت و گو با «صبا»:

هنوز به فرهنگ تماشای مستند نرسیده ایم

ندا حسنی

گفت و گو

قربان نجفی فارغ التحصیل رشته تئاتر است که کار خود را از رادیو و بعد در تلویزیون با «سایه به سایه» علی وکان آغاز کرد. سریال های «دیوار شیشه ای»، «نفس» و «ستایش» برخی از کارهای تلویزیونی او است. خوانندگی و انتشار قطعه موسیقی «گلن آتلی» و «لی لی حوضک» از دیگر فعالیت های هنری او در زمینه موسیقی است. «زن خوک»، «زیباتر از زندگی»، «مواجهه»، «قرار مرگبار» و «سایه به سایه» از جمله کارهای سینمایی این هنرمند ترک زبان استان فارس است. او همچنین در نمایش های رادیویی و تئاترهای فراوانی نقش آفرینی کرده است.

مستند حاکم است. به هر حال یا همه این ها، مستند مورد اعتماد مردم است.

این هنر مند قشقای و از اهالی استان فارس، سینمای مستند جهان را بسیار متفاوت دانست و اظهار کرد: اهمیتی که در فیلم های مستند جهان به سوژه هایی چون پناهای تاریخی، روستاها، منابع طبیعی، کوه ها و رودها و حیوانات داده می شود، در مستندهای ایرانی وجود ندارد و مستندهای ایرانی فاصله زیادی با مستندهای جهان دارند و عقب تر هستند.

او افزود: علاوه بر امکانات محدود، مستندسازان ایرانی آن نگاه شاعرانه و عاشقانه را به سوژه های اشاره شده ندارند. چرا که بیشتر ما در همان ثان شب گیر کرده ایم و مثلاً به جای نگاه شاعرانه به یک درخت، لازم باشد آن را قطع می کنیم تا لقمه نلی از آن به دست آوریم و اصلاً آینده آن درخت و پیشینه اش بر ایمان اهمیتی ندارد.

هنرمندی که به قول خود «تقریباً همه نقش هایی را که بازی کرده را دوست دارد» بیان کرد: ما به لحاظ اقتصادی الان در وضعیت اضطرار قرار داریم و همین مسئله موجب شده تا نگاه عمیق به پدیده ها را نداشته باشیم و نمی توانیم گر سنگی یکشیم تا مثلاً سال ها رشد یک درخت را رصد کنیم و به تصویر در آوریم.

او پیرامون نمایش مستند از شبکه تلویزیونی، خاطر نشان کرد: شبکه ها در دیده شدن مستندها موثرند. همچنین شبکه های مجازی هم می توانند در این خصوص تاثیر گذار باشند. دیدن یک واقعیت حتی از روزنه بسیار کوچک هم جذابیت دارد و می تواند نگاه بیننده را به سمت خود جلب کند.

نجفی به مهم ترین عناصر یک مستند پرداخت و افزود: مکان، زمان و موضوع از مهم ترین ارکان برای کارگردان است. این که کجا و چه زمانی فیلم ساخته و پخش شود، مهم است و می بایست متناسب با این دو مورد به موضوع و سوژه متناسب با زمان و مکان پرداخته شود.

او در خاتمه یادآور شد: اگر این عناصر در نظر گرفته شوند، رئال یا سورئال بودن فیلم اهمیت کمتری پیدا می کند. چه یسا گاه یک فیلم سورئالیستی تاثیر گذارتر از فیلم رئال و واقع گرا باشد که این بسته به نیاز مخاطب، زمان و مکان دیده شدن فیلم از سوی مخاطب دارد.

چشمواره مستند سیما از ۱۵ تیر با پخش مستندهای پذیرفته شده در بخش مسابقه کار خود را در شبکه مستند آغاز کرده و مراسم اختتامیه آن نیز در مهرماه برگزار خواهد شد.

قربان نجفی بازیگر تئاتر سینما و تلویزیون ایراز کرد: اغلب ما برای دیدن فیلم مستند تربیت نشده ایم و فرهنگ تماشای مستند نداریم. کمتر پیش می آید برای دیدن یک فیلم مستند وقت بگذاریم یا هزینه کنیم. پخش آثار مستند در قالب جشنواره مستند تلویزیونی اتفاق مثبتی است که می تواند به فرهنگ سازی مستند کمک کند تا ما وقت بگذاریم و یادیدن مستند واقعیت ها را بیشتر درک کنیم.

او که پیش از این اجرا در فیلم مستند و بازی در یک مستند داستانی را نیز تجربه کرده، اظهار داشت: هم دیدن مستند و هم حضور در مستند را دوست دارم. دیدن مستند خوب در فضای مناسب اهمیت و جذابیت خاصی برای من دارد. اما معمولاً ما فیلم مستند را به دیده یک اتفاق نگاه نمی کنیم و به آن بهانه می دهیم.

یازیرگر «تنگه ایو قریب» و «مزرعه پدری» ادامه داد: حضور در مستند، دغدغه باورآوردن به تماشاگر را ندارد؛ چرا که اگر مستند درست ساخته شود، بیننده می داند تصویری که می بیند ریشه واقعی، سندیت تاریخی و مبنای علمی و منطقی دارد؛ در نتیجه به راحتی همه آن ها را باور می کند.

او با اشاره به تفاوت سایر گونه های تصویری با مستند، توضیح داد: در ژانرهای دیگر این گونه نیست و فیلمساز یا بازیگر باید به حدی خودشان را بالا بکشند که بتوانند باورپذیر شوند. اما خیلی وقت ها همین سطح بالاتر نیز در قاب دوربین پذیرفته نمی شود و بیشتر اوقات اعتماد و باور مخاطب به حد قابل قبول نمی رسد.

نجفی اضافه کرد: بدون شک مستند هم به نوعی دچار تاثیرات سازندگانش می شود؛ نوع نگاه کارگردان به موضوع مستند، زاویه دید دوربین و تصویربرداری، تماشای بسته یا باز سلیقه ای و... همگی در به تصویر کشیدن و بیان واقعیات دخیل هستند. گاه همین نوع نگاه موجب می شود تا برخی از اسناد زیر سوال بروند و کمتر یا بیشتر از آن چیزی که هستند جلوه نمایند؛ اما آنچه در مستند اهمیت دارد وجود اصل «واقعیت» است که آن را با قصه و داستان متفاوت می کند.

یازیرگر تله تئاتر «آقای توپاز» به کارگردانی سعید کشن قلاح، توضیح داد: با توجه به موارد گفته شده از نگاه حرفه ای، حتی می توان ادعا داشت که مستند مطلق وجود ندارد؛ مثل ساختمانی که از زاویه دید هر بیننده ای می تواند متفاوت باشد. یکی از نمای بیرونی یا یکی از بالا نگاه می کند؛ در واقع دیدگاه، زاویه دید و ایندولوژی مستندساز به نوعی بر فضای